

نیکی خاتمه و بدی آن

مؤلف:

خالد بن عبدالرحمن شایع

مترجم: پدram اندایش

نیکی خاتمه و بدی آن // 1

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه:

شکر و ستایش برای الله پروردگار
جهانیان است و صلوات و سلام
الله بر پیامبر ما محمد و بر آل و
اصحابش و کسانی که تا روز
قیامت از آنها در نیکی تبعیت
می‌کنند. أما بعد:

خاتمه‌ی بنده در این زندگی
دنیوی، امری بزرگ و خطری

112 // نیکی خاتمه و بدی آن

سترگ است و بعد از آن پرونده‌ی
اعمالش بسته می‌شود و پاداش و
جزا و عاقبت وی به آن بستگی
دارد که در خاتمه‌ی زندگی، ختم
به خیر شود یا ختم به بدی، در
حدیث صحیح آمده است: «إنما
الأعمال الخواتیم» (اعمال فقط به
ختم آنها می‌باشند). رواه
بخاری (بخارایی) و غیره.

به همین دلیل شدیدترین
اضطراب بندگان صالح الله تعالی و

نیکی خاتمه و بدی آن // 3

مهمترین امر نزد آنها در مورد خاتمه است و اعمال صالح را ادامه می‌دهند و زاری خود را نسبت به الله تعالی زیاد می‌کنند تا آنان را بر آن ثابت نگه دارد. تا زمانی که او را ملاقات می‌کنند، سعی می‌نمایند تا به این سفارش الله تعالی به آنان عمل کنند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾ [آل عمران: 102] ای

14 // نیکی خاتمه و بدی آن

کسانی که ایمان آورده‌اید آنچنان
که حق تقوا پیدا کردن از الله است
از او تقوا پیشه کنید و نمیرید مگر
آن که مسلمان بمیرید).

مسلم در صحیحش از عبد

الله بن عمرو بن عاص رضی الله

عنهما آورده است که رسول الله ﷺ

فرمود: «إِنَّ قُلُوبَ بَنِي آدَمَ كُلَّهَا

بَيْنَ إِصْبَعَيْنِ مِنْ أَصَابِعِ الرَّحْمَنِ

كَقَلْبٍ وَاحِدٍ يُصَرِّفُهُ حَيْثُ يَشَاءُ»

(تمامی قلبهای بنی آدم بین دو

نیکی خاتمه و بدی آن 5//

انگشت از انگشتان [الله] بسیار
رحمت کننده می باشد و به مانند
یک قلب می باشند که به هر
شکلی بخواهد در آن تغییر ایجاد
می کند)، سپس رسول الله ﷺ
فرمود: «اللهم مُصَرِّفَ الْقُلُوبِ
صَرِّفْ قُلُوبَنَا عَلَى طَاعَتِكَ» (یا
الله! ای تغییر دهنده ی قلبها، قلب
ما را به اطاعت از خودت تغییر
بده!).

شخصی از پیشینیان گفته

16 // نیکی خاتمه و بدی آن

است: چشمها گریه
نمی‌کنند، مگر بر اساس گریه
انداختنی که در گذشته، در کتابی
نوشته شده است.

سفیان شدیدترین اضطراب
را نسبت به چیزهایی که از قبل
در تقدیر قرار گرفته است و
خاتمه را تعیین
می‌کند، داشت. گریه می‌کرد و
می‌گفت: می‌ترسم که در ام
الکتاب (لوح محفوظ) من از

نیکی خاتمه و بدی آن 7//

بدبخت‌ها نوشته شده باشم، و
گریه می‌نمود و می‌گفت: می‌ترسم
که هنگام مرگ ایمانم را از دست
داده باشم. و این از ترس و
پرهیزگاری وی رحمه الله بود. و
اگر نه الله همان شخص کریم و
مهربان است و او سبحانه قدردان
و داناست و عملی از اعمال
مخلوقاتش را ضایع نمی‌فرماید.

مالک بن دینار در طول شب

ریش خود را گرفته و می‌گفت:

8// نیکی خاتمه و بدی آن

ای پروردگار! هملنا ساکن بهشت
را در مقابل ساکن جهنم می-
شناسی، در کدام یک از آن دو
سرزمین منزل مالک می باشد؟

خاتمه با آنچه در تقدیر
نوشته شده است صورت می گیرد،
کسی که در وسعت امر الله تعالی و
فراخی اجلش نیکوکار می باشد،
در نتیجه به اذن الله تعالی عاقبت
نیکی خواهد داشت و کسی که بر
بدی باشد، عاقبت او به مانند

نیکی خاتمه و بدی آن // 9

همان [بدی می باشد]. سنت الله تعالی این گونه است که معلوم نیست کدام بنده بر انجام خیر حریص است و آن را دوست می - دارد، مگر آن که الله تعالی به او توفیق داده باشد و او را بر آن ثابت نگه دارد و توسط آن خاتمه ی وی را رقم زند. از الله با کرامت بخشش و فضل او را طلب می نماییم.

از روی اهمیت این مسأله و

10 // نیکی خاتمه و بدی آن

لازم بودن آن سطرهایی را به
نگارش در آورده‌ام که برای نفس
گناهکار تذکری باشد و
خیرخواهی برای مسلمانان مرد و
زن باشد. اعتماد من به الله
باکرامت است و امرم و استنادم را
به وی می‌سپارم.



اول: نیکی خاتمه

نیکی خاتمه همان است که

نیکی خاتمه و بدی آن // 11

به بنده قبل از مرگش توفیق داده شود تا از آنچه پروردگار سبحانه را خشمگین می‌کند و شامل توبه بر گناهان و نافرمانی‌ها می‌باشد و روی کردن به طاعات و اعمال خیر است برایش مهیا شود و در این حالت بمیرد تا وقتی بر حالتی نیکو قرار دارد، مرگش فرا برسد.

چیزی که بر آن دلالت دارد

حدیث صحیحی است که انس رضی الله عنه

آورده است که رسول الله صلی الله علیه و آله

12 // نیکی خاتمه و بدی آن

فرمود: «إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدِهِ خَيْرًا
اسْتَعْمَلَهُ» (اگر الله برای بنده‌اش
اراده‌ی خیر داشته باشد، او را به
کار می‌گیرد). گفتند: چگونه او را
به کار می‌گیرد؟ فرمود: «يُوقِّعُهُ
لِعَمَلٍ صَالِحٍ قَبْلَ مَوْتِهِ» (به او
توفیق عمل صالح قبل از مرگش
را می‌دهد). إِمَامُ أَحْمَدُ وَ تَرْمِذِيُّ وَ
حَاكِمٌ دَرِ الْمُسْتَدْرَكِ أَنَّهُ رَأَى صَاحِبًا
دَانِسْتَهُ أَنْدَلُ.

برای نیکی خاتمه علامت -

نیکی خاتمه و بدی آن // 13

هایی وجود دارد، از آنها: بنده‌ی می‌داند که هنگام مردنش چه چیز را مهیا کرده است. همچنین از آنها: مواردی است که برای مردم آشکار می‌گردد.

اما علامتی که برای بنده نیکی خاتمه‌اش را نشان می‌دهد این است که هنگام مرگش به او بشارت می‌دهند که الله تعالی از وی رضایت‌مند است و استحقاق کرامت وی را بر اساس فضلی از

14 // نیکی خاتمه و بدی آن

طرف وی دارد، همان گونه که الله جل و علا می فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ﴾ [فصلت: 30] (کسانی که گفتند: پروردگار ما الله است، سپس استقامت ورزیدند، ملائک بر آنان نازل می شوند [و به آنان می گویند: [نترسید و غمگین مباشید و بشارت بهشتی که به

نیکی خاتمه و بدی آن // 15

شما وعده داده شده بود را داشته
باشید).

این بشارت برای مؤمنان در
هنگام مرگ و در قبر و هنگام
برانگیخته شدن از قبرها وجود
دارد.

دلیل دیگری که وجود دارد،
حدیثی است که بخاری (بخارایی)
و مسلم در صحیحشان از ام
المؤمنین عایشه رضی الله عنها
آورده‌اند که رسول الله ﷺ فرمود:

16 // نیکی خاتمه و بدی آن

«مَنْ أَحَبَّ لِقَاءَ اللَّهِ أَحَبَّ اللَّهُ لِقَاءَهُ،
وَمَنْ كَرِهَ لِقَاءَ اللَّهِ كَرِهَ اللَّهُ لِقَاءَهُ»
(کسی که دیدار الله را دوست
داشته باشد، الله دیدار او را دوست
دارد و کسی که از دیدار الله
کراهت داشته باشد، الله از دیدار او
کراهت دارد)، گفتم: ای پیامبر الله!
آیا منظور کراهت داشتن از مرگ
است، و این در حالی است که
تمامی ما از مرگ کراهت داریم؟
فرمود: «لَيْسَ كَذَلِكَ، وَلَكِنْ

نیکی خاتمه و بدی آن // 17

المؤمن إذا بُشِّرَ برحمة الله
ورضوانه وجنته أحب لقاء الله،
وإن الكافر إذا بُشِّرَ بعذاب الله
وسخطه كره لقاء الله وكره الله
لقاءه» (این چنین نیست، بلکه
مؤمن وقتی به رحمت الله و
رضایتمندی اش و بهشتش بشارت
داده می شود، دیدار الله را دوست
دارد و کافر وقتی به عذاب الله و
خشمش بشارت داده می شود، از
دیدار الله کراهت دارد و الله از

18 // نیکی خاتمه و بدی آن

دیدار او کراهت دارد).

در معنای حدیث امام ابو عبید قاسم ابن سلام گفته است: «منظور آن [کراهت] از مرگ و شدت آن نمی‌باشد؛ زیرا هیچ کس آن را دوست ندارد ولی امری که نکوهش شده می‌باشد، انتخاب دنیا و آرمیدن به آن و از بازگشت به سوی الله و سرزمین آخرت کراهیت داشتن می‌باشد»، همچنین گفته است: «امری که آن را روشن

نیکی خاتمه و بدی آن // 19

می سازد آن است که الله تعالی از قومی به خاطر دوست داشتن دنیا عیب گرفته است و می فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنُّوا بِهَا﴾

[یونس: 7] (کسانی که به دیدار ما امید ندارند و به زندگی دنیوی راضی شده اند و به آن اطمینان خاطر پیدا کرده اند).

خطابی گفته است: «معنای

دوست داشتن دیدار الله توسط

20 // نیکی خاتمه و بدی آن

بنده این است: برگزیدن آخرت بر دنیا و دوست نداشتنِ ادامه یافتن استقرار در آن است و باید به گونه‌ای باشد که خودش را برای جدا شدن از این [دنیا] آماده کند و [منظور از] کراهت داشتن، بر عکس این مورد است».

إمام نووی رحمه الله گفته است: «معنای حدیث این است: محبت و کراهیتی است که دین آن را معتبر دانسته است و آن در

نیکی خاتمه و بدی آن // 21

هنگام جدا شدن [روح از بدن] است که در آن توبه قبول نمی-شود، وقتی است که حال کسی که در حالت احتضار است مشخص می‌شود و برای او آنچه را که به سوی آن بازگشت دارد، آشکار می‌گردد».

اما علامت‌های نیکی خاتمه زیاد می‌باشند و علماء رحمهم الله با بیان نصوصی که در این باره آمده است آن را به تصویر

22 // نیکی خاتمه و بدی آن

کشیده‌اند، و بعضی از آنها را در اینجا بیان می‌داریم:

* گفتنِ شهادتینِ هنگام

مرگ:

دلیل آن حدیثی است که حاکم و دیگران آن را روایت کرده‌اند که رسول الله ﷺ فرمود: «من كان آخر كلامه لا إله إلا الله دخل الجنة» (کسی که آخرین سخنش «هیچ پرستش شونده‌ی بر حقی جز الله وجود ندارد» باشد،

نیکی خاتمه و بدی آن // 23

داخل بهشت می شود).

* از آنها: عرق کردن

پیشانی هنگام مرگ است:

بریده بن حصیب آورده است

که رسول الله ﷺ فرمود: «موت

المؤمن بعرق الجبین» (مرگ

مؤمن با عرق پیشانی همراه

است). رواه أحمد و ترمذی.

* از آنها: وفات نمودن در

شب جمعه و یا روز آن:

زیرا پیامبر ﷺ فرموده است:

24 // نیکی خاتمه و بدی آن

«ما من مسلم يموت يوم الجمعة
أو ليلة الجمعة إلا وقاه الله فتنة
القبر» (مسلمانی نیست که روز
جمعه و یا شب جمعه بمیرد، مگر
آن که الله از فتنه‌ی قبر او را حفظ
می‌کند). رواه أحمد و ترمذی.

* از آنها: شهید شدن در
میدان جهاد فی سبیل الله یا مرگ
برای جنگجوی در راه الله تعالی یا
وفات یافتن با مرض طاعون یا
خارج شدن قی و مانند آن از بدن

نیکی خاتمه و بدی آن // 25

یا وفات یافتن بر اثر غرق شدن
است.

دلیل آنچه اول آورده شده
است حدیثی است که مسلم در
صحیحش آورده است که پیامبر ﷺ
فرمود: «ما تعدُّون الشَّهیدَ فیکم؟»
(چه کسی را بین خودتان شهید به
حساب می‌آورید؟) گفتند: ای
رسول الله! کسی که در راه الله
کشته شود، شهید است؛ فرمود:
«إِنَّ شَهِدَاءَ أُمَّتِي إِذَا لَقِيلِ» (در

این صورت تعداد شهدای امت من

ک

می باشد) گفتند: پس چه کسانی

هستند ای رسول الله؟! فرمود:

«مَنْ قُتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَهُوَ شَهِيدٌ،

وَمَنْ مَاتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَهُوَ شَهِيدٌ،

وَمَنْ مَاتَ فِي الطَّاعُونَ فَهُوَ شَهِيدٌ،

وَمَنْ مَاتَ فِي الْبَطْنِ فَهُوَ شَهِيدٌ،

وَالْغَرِيقُ شَهِيدٌ» (کسی که در راه

الله کشته شود، شهید است و کسی

که در راه الله وفات یابد، شهید

نیکی خاتمه و بدی آن 27//

است و کسی که بر اثر بیماری
طاعون بمیرد، شهید است و کسی
که از شکم درد [و اسهال] بمیرد،
شهید است و غرق شده [نیز] شهید
است).

* از آنها: مرگ بر اثر زیر
آوار ماندن است، بخاری (بخارایی)
و مسلم روایت کرده‌اند که
پیامبر ﷺ فرمود: «الشهداء خمسة:
المطعون، والمبطنون، والغرق،
وصاحب الهدم، والشهيد في سبيل

28 // نیکی خاتمه و بدی آن

الله» (شهیدان پنج دسته هستند: وفات کرده بر اثر طاعون، کسی که از شکم درد [و اسهال] مرده باشد، غرق شده و زیر آوار مانده و شهید در راه الله).

* از علامتهای نیکی خاتمه:

و آن مخصوص زنان است، مرگ زن در هنگام نفاس به علت زاییدن یا در هنگام حاملگی می-باشد.

دلیل آن حدیثی است که امام

نیکی خاتمه و بدی آن // 29

احمد و دیگران با سند صحیح آن را از عباده بن صامت روایت کرده‌اند که پیامبر از شهیدان خبر داد و از آنها ذکر فرمود: «والمراة یقتلها ولدها جمعاء شهادة، یجرها ولدها بسرره إلى الجنة» (زن را فرزندش به شهادت نیکویی می‌کشد و فرزندش با بند نافش او را به بهشت هدایت می‌کند).

* از آنها: مرگ با آتش

سوزی و سینه پهلو است.

30 // نیکی خاتمه و بدی آن

از دلایل آن این است که پیامبر ﷺ حالت‌هایی از شهادت را بیان نمود و آنها مردن در نتیجه‌ی آتش گرفتن و سینه پهلو را نام برد. این حدیث را ابوداود در سننش آورده است.

* از آنها: مردن بر اثر بیماری سل است زیرا پیامبر ﷺ با خبر ساخته است که آن شهادت می‌باشد.

* از آنها همچنین که حدیثی

نیکی خاتمه و بدی آن // 31

که ابوداود و نسائی و دیگران
روایت کرده‌اند می‌باشد و در آنها
پیامبر ﷺ فرموده است: «مَنْ قُتِلَ
دُونَ مَالِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ، وَمَنْ قُتِلَ
دُونَ أَهْلِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ، وَمَنْ قُتِلَ
دُونَ دِينِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ، وَمَنْ قُتِلَ
دُونَ دَمِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ» (کسی که
برای مالش کشته شود، شهید است
و کسی که برای اهلش کشته شود،
شهید است و کسی که برای دینش
کشته شود، شهید است و کسی که

32 // نیکی خاتمه و بدی آن

برای خونش کشته شود، شهید است).

* از آنها: وفات یافتن

هنگام نگهبانی در راه الله تعالی می باشد.

مسلم آورده است که

پیامبر ﷺ فرمود: «رباط یوم وليلة

خیر من صیام شهر و قیامه، وإن

مات جرى علیه عمله الذی کان

یعمله، وأجرى علیه رزقه، وأمن

الفتان» (نگهبانی روزی یا شبی

نیکی خاتمه و بدی آن // 33

بہتر از روزہی یک ماہ و نمازش
می باشد و اگر [شخص نگهبانی
دہندہ] بمیرد عملی کہ انجام می -
داده است ادامہ می یابد و با
رزقش بہ او اجر داده می شود و از
فتنہی قبر در امان می ماند).

از روی این حدیث از
خوشبخت ترین مردم، مردان امنیت
و مرزبانان می باشند کہ از
مرزهای خشکی، آبی و هوایی بر
اساس اختلاف موقعیتشان،

34 // نیکی خاتمه و بدی آن

مراقبت می‌کنند و این وقتی است
که از روی اجر بردن این کار را
انجام می‌دهند و در زمان کارشان
توفیق مرگ را می‌یابند.

* از علامتهای نیکی خاتمه:

مرگ بر عمل صالح است، زیرا
پیامبر ﷺ فرموده است: «هَنْ قَالَ:
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ خُتِمَ
لَهُ بِهَا دَخْلُ الْجَنَّةِ، وَمَنْ صَامَ يَوْمًا
ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ خُتِمَ لَهُ بِهَا دَخْلُ
الْجَنَّةِ، وَمَنْ تَصَدَّقَ بِصَدَقَةٍ خُتِمَ لَهُ

نیکی خاتمه و بدی آن // 35

بها دخل الجنة» (کسی که برای
سبب رضایتمندی الله تعالی لا اله
الا الله بگوید و بر آن عمرش تمام
شود، داخل بهشت می شود و کسی
که برای کسب رضایتمندی الله
روزی را روزه بگردد و در آن
حالت عمرش تمام شود، وارد
بهشت می شود و کسی که صدقه -
ای بدهد و در آن حال عمرش
تمام شود، داخل بهشت می شود).
رواه إمام أحمد و دیگران.

حدود بیست علامت برای
نیکی خاتمه وجود دارد که در
نصوص آمده است و شیخ محمد
ناصر الدین آلبنانی آن را در کتابش
«أحكام الجنائز»¹ بیان نموده
است.

برادر گرامی! بدان وجود هر
کدام از این علامتها و واقع شدن

¹ - این کتاب توسط انتشارات حرمین

ترجمه و چاپ شده است. (مترجم)

نیکی خاتمه و بدی آن 37//

آنها بر میت دلیل قطعی نمی باشد
که صاحب آن از اهل بهشت است
ولی توسط آن به او بشارت داده
می شود، همان گونه که اگر یکی
از این موارد به وقوع پیوست
دلیلی بر این نمی باشد که آن
شخص غیر صالح و یا مانند آن
بوده است، تمام این موارد از علوم
غیبی است، ولی برای نیکوکار
امیدواری ایجاد می کند و بدکار را
می ترساند.



سبب‌های نیکی خاتمه

از بزرگترین آنها این است
که انسان خود را وادار به اطاعت
از الله تعالی و تقوای از وی نماید
و بالاترین آن و اساس آن محقق
شدن توحید است و همچنین
برحذر بودن از مرتکب شدن به
امور حرام است و مبادرت نمودن
به توبه برای پلیدی‌هایی که

نیکی خاتمه و بدی آن // 39

شخص به آن آلوده شده است و بزرگترین آن: شرک نوع اکبر و اصغر آن می باشد، پروردگار جلّ شأنه می فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ﴾ [النساء: 48] (الله شرک را نمی آمرزد و پایین تر از آن را برای هر که بخواهد می - آمرزد).

* از آنها: این است که

شخص در دعای از الله تعالی برای

40 // نیکی خاتمه و بدی آن

آن که او را بر ایمان و تقوا
بمیراند، پافشاری نماید.

* از آنها: انسان با تمام
وجود کوشش کند که ظاهر و
باطنش را اصلاح نماید و نیت و
هدف او متوجه تحقق یافتن این
امر شود، سنت الله کریم سبحانه
این است که به کسی که طالب
حق به سوی وی باشد، توفیق
می دهد و او را ثابت قدم می دارد
و خاتمه ی او را بر آن قرار می -

دهد.



دوم: بدی خاتمه

اما خاتمه بد آن است که انسان در حالی وفات یابد که از پروردگارش جلا و علا رویگردان شده است و بر خشم او سبحانه قرار گیرد و آنچه را الله تعالی بر او واجب فرموده است را ضایع گرداند.

42 // نیکی خاتمه و بدی آن

شکی وجود ندارد که این نهایت بد و خاتمه‌ی پلید چیزی است که پرهیزگاران از آن می‌ترسند و نزد پروردگارشان سبحانه زاری می‌نمایند تا آنها را از آن حفظ کند.

بر بعضی از کسانی که در حال احتضار هستند علامت‌ها یا احوالی پدید می‌آید که دلیلی بر بدی خاتمه می‌باشد. مثل: نگفتن گواهی «لا إله إلا الله» و نپذیرفتن

نیکی خاتمه و بدی آن // 43

آن، مثال دیگر: سخن گفتن به بدی‌ها و امور حرام و اظهار تعلق به آنها در هنگام مرگ و به مانند آن سخنان و اعمالی است که دلیلی بر رویگرداندن از دینِ الله تعالی و بیزاری از ادای آن می‌باشد.

مناسب این است که بعضی از مثالهای واقعی را از آن بیاوریم، از آن مثالها:

موردی است که علامه ابن

44 // نیکی خاتمه و بدی آن

قیم رحمه الله در کتابش «الجواب
الکافی» آورده است: به شخصی
از مردم در هنگام مرگ گفته شد:
« بگو: لا إله إلا الله»، او گفت:
مرا از آن بی‌نیاز نمی‌کند و من
نمی‌دانم برای چه برای الله
نماز گزاردم؟ و آن را نگفت.

حافظ ابن رجب رحمه الله
در کتابش «جامع العلوم والحکم»
نقل می‌کند: یکی از علماء که
همان عبد العزیز بن اُبی رواد است

نیکی خاتمه و بدی آن // 45

گفت: نزد مردی رفتم که در حال مرگ بود و به او لا اله الا الله تلقین می‌شد، در آخر آن گفت: آن به آنچه گفته می‌شود، کافر است و بر همان حالت مُرد. گفت: درباره‌ی او سوال نمودم و او را دائم الخمر یافتم، عبد العزیز می‌گفت: از گناهان بترسید که آنها همانی هستند که بر [شخص] پیروز می‌گردند.

به مانند آن را حافظ ذهبی

46 // نیکی خاتمه و بدی آن

رحمه الله یاد نموده است: مردی با شراب خواران مجالست می نمود، وقتی مرگ او فرا رسید و شخصی آمد و گواهی دادن را به او تلقین کرد، به او گفت: بنوش و مرا بنوشان. سپس در همان حال مُرد.

همچنین حافظ ذهبی رحمه الله در کتابش «الکبائر» یاد می کند: مردی از کسانی بود که شطرنج بازی می کرد، وقتی به حالت احتضار رسید به او گفته

نیکی خاتمه و بدی آن // 47

شد: بگو لا إله إلا الله، او گفت:
شاه تو. سپس مُرد و بر زبانش
امری آمد که در زمان زندگی به
آن عادت کرده بود و در عوض
کلمه‌ی توحید گفت: شاه تو.

از آنها موردی است که
علامه ابن قیم رحمه الله از مردی
یاد کرده است که به دوست داشتن
ساز و آواز و تکرار آن معروف
بود، وقتی زمان مرگش رسید، به
او گفته شد: بگو و لا إله إلا الله،

شروع به یاوه سرایی با غنا نمود و می‌گفت: «تاتتا تئتنا..» تا آن که مُرد و سخن توحید را نگفت.

همچنین ابن قیم گفته است: یکی از تاجران به من خبر داد که از نزدیکان وی کسی به حالت احتضار رسید و او نزدش بود، شروع نمودند تا لا إله إلا الله را به او تلقین کنند. او می‌گفت: این تکه‌ای ارزان است و این مشتری خوب است و به همین ترتیب. تا

نیکی خاتمه و بدی آن // 49

آن که تمام کرد و سخن توحید را نگفت. همچنان ادامه دارد که در بین مردم در زمانها و مکانهای زیادی که بدی خاتمه اتفاق افتاده است و برای کسانی بوده است که گناهان را آشکار می‌کردند و توسط آنها تا آنجا که الله اجازه فرموده است، جرم می‌نمودند از الله تعالی طلب عافیت و سلامت از تمامی آنها را داریم.

اینجا تعلیق علامه ابن قیم

50 // نیکی خاتمه و بدی آن

رحمه الله را می آوریم که در پس یکی از ماجراهای بیان شده، آن را گفته است:

«سبحان الله، چقدر مردم شاهد این عبرت‌ها بوده‌اند؟ و آنچه که از احوال اشخاص در حال مرگ از آنها پنهان مانده است، بسیار بزرگ می‌باشد. وقتی بنده در حال حضور ذهن و قدرت و کمال درکش، شیطان بر او چیره می‌شود و او را در نافرمانی‌هایی

نیکی خاتمه و بدی آن // 51

قرار می دهد که خودش می -
خواهد، قلب بنده از یاد الله
[تعالی] غافل
می شود و زبانش از ذکر او بی کار
می ماند و [به همین ترتیب]
اعضای بدنش از اطاعت وی باز
می مانند، پس وضعیت وی در
هنگام از بین رفتن قدرتش و
مشغول شدن قلب و نفسش به
آنچه از درد هنگام جدا شدن روح
از بدن وجود دارد، برای او چه

52 // نیکی خاتمه و بدی آن

خواهد بود؟ شیطان تمام قدرت و
همتش را برای او جمع می‌کند و
تمامی آنچه را که برای وی مقدر
است جمع می‌کند تا به فرصتی
دست یابد و آن آخرین اعمالی
است که بنده انجام می‌دهد و
شیطان در آن هنگام قوی‌تر است
و آن شخص در ضعیف‌ترین
حالت خود است، پس چه کسانی
در این حالت سالم می‌مانند؟ آن
کسانی هستند که ﴿يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ

نیکی خاتمه و بدی آن // 53

آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ
الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَيُضِلُّ اللَّهُ
الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ ﴿

[إبراهيم: 27] (الله کسانی را که

ایمان آورده‌اند با سخن ثابت در

زندگی دنیوی و در آخرت ثبوت

قدم می‌دارد و ستمگران را گمراه

می‌کند و الله هر آنچه را که

بخواهد انجام می‌دهد). پس

چگونه می‌شود کسی که الله

سبحانه او را که از یاد خودش

54 // نیکی خاتمه و بدی آن

غافل نموده است و از هوایش
تبعیت می‌کند و امر او از حد
گذشته است را به نیکی خاتمه
توفیق دهد؟ پس کسی که قلبش
از الله تعالی دور است، او دور
خواهد بود، و کسی که از او غافل
می‌باشد و بنده‌ی هوایش است و
اسیر شهواتش می‌باشد و زبانش
از یاد او خشک
می‌باشد و اعضای بدنش در
اطاعت از وی بی‌کار

نیکی خاتمه و بدی آن // 55

می باشند، بعید است که به نیکی
خاتمه توفیق یابد».

بدی خاتمه دارای دو حالت
است که به الله تعالی از آنها پناه
می بریم:

اول: آن بزرگتر و خطرناک تر
است و آن وقتی است که در
هنگام سختی مرگ و پدیدار شدن
هول از آن، بر قلب چیره می شود
و یا شخص به شک می افتد و یا
آن که لجبازی می کند و بر همان

56 // نیکی خاتمه و بدی آن

حال روح وی از بدن جدا می‌شود و بین او و بین الله [تعالی] پرده‌ای ایجاد می‌گردد. در این حالت است که دور بودن دائم [از رحمت الله تعالی] و عذاب جاودانگی ایجاد می‌گردد.

دوم: آن پایین‌تر از حالت قبلی است و حالتی است که در هنگام مرگ دوست داشتنِ امری از امور دنیا یا شهوتی از شهوت - های حرام آن بر قلب شخص

نیکی خاتمه و بدی آن 57

غلبه می‌کند و آن در قلبش شکل
می‌گیرد و شخص بر چیزی می‌-
میرد که با آن زندگی کرده است،
گاهی با رباخواری عمر او خاتمه
می‌یابد و گاهی با حرامهای دیگر،
مثل مواد مخدر، ساز و آواز،
سیگار کشیدن، مشاهده‌ی تصاویر
حرام و ظلم به مردم و مانند آن
که با این موارد عمر او خاتمه
می‌یابد و این حالتی است که بدی
خاتمه‌ی وی آشکار می‌باشد، پناه

58 // نیکی خاتمه و بدی آن

بر الله! و مواردی اینچنینی که
همراه با توحید شخص هستند و
برای وی خطر مجازات و عذاب
وجود دارد.



سبب‌های بدی خاتمه

باید دانست که بدی خاتمه
دلایل و سبب‌هایی دارد که قبل از
آن صورت گرفته است و باید از
آنها بر حذر بود.

نیکی خاتمه و بدی آن // 59

از بزرگترین آنها: فساد در
عقیده است. کسی که عقیده‌اش
فساد شده است اثر آن بر وی
چیره می‌گردد و در نتیجه نیازمند
کمک و تثبیت از طرف الله تعالی
می‌باشد.

از آنها: روی کردن به دنیا و
متعلق شدن به آن است و کسب
آن از راه‌های حرام می‌باشد.

از آنها: خارج شدن از
استقامت و روی گردان شدن از

60 // نیکی خاتمه و بدی آن

خیر و هدایت است.

از آنها: اصرار داشتن بر
گناهان و الفت گرفتن به آنها
است، وقتی انسان در زمان
زندگی اش به چیزی الفت پیدا کند
و آن را دوست داشته باشد و به
آن تعلق خاطر نشان دهد، در
هنگام مرگ به سراغ همان بر
می‌گردد و حالت احتضار در
بسیاری از موارد او را به آن امور
بر می‌گرداند.

نیکی خاتمه و بدی آن // 61

حافظ ابن کثیر گفته است:
«گناهان و نافرمانی‌ها و شهوات،
انجام دهنده‌ی آنها را هنگام مرگ
خوار
می‌گردانند و این همراه خوار شدن
از طرف شیطان است و در این
هنگام خواری و ضعیف بودن
ایمان در وی یکجا جمع می‌شوند
و به بدی خاتمه گرفتار می‌شود،
الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَكَانَ
الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا﴾ [الفرقان:

[29] (و شیطان انسان را خوار می‌کند).

بدی خاتمه - پناه بر الله
تعالی از آن - برای کسی واقع
نمی‌شود که ظاهر و باطنش را با
[اوامر] الله تعالی اصلاح نموده و
در سخنان و اعمالش صادق باشد؛
این امر هرگز شنیده نشده است.
بدی خاتمه فقط وقتی وقوع پیدا
می‌کند که کسی درونش را با گره
خوردگی و ظاهرش را با عمل،

نیکی خاتمه و بدی آن // 63

فاسد نموده باشد. برای کسی است
که بر انجام گناهان کبیره جرأت
داشته باشد و مرتکب جُرم شود و
چه بسیار هستند کسانی که این
امر بر آن مستولی می‌گردد و
فرصت توبه‌ی قبل از مرگ را
نمی‌یابند».

به همین دلیل عاقل باید
قلبش را از تعلق داشتن به چیز
حرامی بر حذر دارد و شایسته
است که قلب، زبان و اعضای

64 // نیکی خاتمه و بدی آن

بدنش را با ذکر الله تعالی همراه سازد، و به هر حالتی که بود از اطاعت از الله تعالی محافظت نماید تا این زمان از دست نرود و توسط آن شخص بدبخت به بدبختی همیشگی خوار نگردد.

یا الله! بهترین اعمال ما را در انتهای آنها قرار بده! و بهترین زمان عمر ما را در آخر آنها قرار بفرما! و بهترین روز ما را روزی قرار بده که تو را با چشم سر

نیکی خاتمه و بدی آن // 65

می بینیم! یا الله! به تمامی ما توفیق
بده تا کارهای خیر انجام دهیم و
از زشتی‌ها دوری کنیم!

صلی الله و سلم علی نبینا
محمد و علی آله و صحبه. خاتمه
در 1418/2/24 هـ